سلسله قادریه

مدرسی چهاردهی، نورالدین

یکی از بزرگترین سلاسل تصوف اسلامی که مکتبهای دیگر که اهم آنها مانند سهروردیه و نعمت اللهیه از وی منشعب گردیده است و خود سلسله قادریه‏ از مکتب جنید پدید آمد و از سلسله رفاعیه متأثر گردیده است.

مؤسس این سلسله شیخ عبد القادر گیلانی متولد در 470 هـ.ق و وفاتش‏ در 560 هـ ق و مدفنش در بغداد و لقب اوغوث اعظم و غوث الثغلین و جنگی‏ دوست و یار اشهب بوده و نسبش به امام حسن مجتبی(ع)میرسد در شعر تخلص‏ غوث دارد آثارش اکثرا عربی و اشعاری بزبان فارسی دارد که از آن جمله‏ بیت زیر است:

شکر لله که نمردیم و رسیدیم بدوست‏ آفرین باد بر این همت مردانه ما

قادریه بغداد این ورد را می‏خوانند:

هو هو صل اللّه مکه و مدینه بیت اللّه نور نبی صل اللّه

هو هو جل اللّه مدینه دان محمد جزیره دان کاکا احمد

اللّه اللّه یا نادر سلطان عبد القادر عبد القادر گیلانی

گنبد بارگاهش نورانی.

قادریه معتقدند پس از رحلت امام حسن عسکری تا ظهور شیخ عبد القادر دوروزمان متعلق بامام دوازدهم و پس از وجود شیخ تا ظهور امام مربوط به روح‏ شیخ خواهد بود.

شیخ گفته طوماری است که نامهای مریدان و آنان که بجان محب من‏ باشند تا روز قیامت همه در آن نوشته شده و همگی بخشیده می‏شوند.

مولا و خداوندگارم(کیوان قزوینی)در جلد اول کیوان‏نامه در صفحه‏ 147 مرقوم داشته‏اند اول کسی که ملقب شد به ولی شیخ عبد القادر گیلانی بود مدفون در بغداد که گاهی خودش در منبر پا بلند نموده می‏گفت رجلی علی رقبة کل‏ اولیاء اللّه و سایر مشایخ این ادعا را از او پذیرفتند.

قادریه هند تحت‏تأثیر فلسفه یوگی قرار گرفته حبس نفس و نشست دارند و سماع در این سلسله رواج بسیار دارد و برای تشریف غسل توبه بجا آورده و ذکر خفی لا اللّه الا اللّه را دستور می‏دهند و ذکر خفی دو ضرب و سه ضرب و چهار ضرب‏ معمول است.

شیخ قصیده غوثیه مشتمل بر بیست و هشت بیت مبنی بر مقامات خود سروده و او را شیخ مشرق می‏گفته‏اند در تاریخ تصوف اسلامی کسی پایه ادعا را بحدی که شیخ مدعی گردیده معترض نگردیده است و قادریه ایران از علوم طریقت و عرفان بی‏بهره و شیخ را همپایه خدا می‏شمارند و اشعاری به زبان محلی شنیده‏ شده که اظهار می‏داشت خدا به طفیل وجود شیخ خدائی می‏کند و توجهی بشیخ‏ طریقت که خلیفه می‏نامند ندارند و در کار دین و دنیا متوسل بشیخ می‏شوند و در شریعت تابع امام اعظم ابو حنیفه هستند از شعب معروف قادریه در ایران‏ طالبانی است صفویه قادریه گیسو و شارب گذاشته و گیسوان را می‏بافند قادریه‏ تلقین ذکر و دستگیری را از طریق رویسی و خواب نیز اعتقاد دارند و پیروی‏ از مشایخ تشیع را جایز نمی‏شمارند.

سید حسن شاه خاموش اصفهانی در 459 هـ ق در اصفهان متولد و در 531 هـ ق فوت کرد و در ملک ختلان اقامت گزید پسرخاله شیخ عبد القادر گیلانی‏ بوده و نسب خود را به علی اکبر بن امام حسن عسکری می‏رساند و این خود موجب می‏گردد که در نسب و سیادت شیخ تردید حاصل آید.

بنظر این ناچیز احتمال زیاد دارد شیخ از اهل(گیلان ده)قریه‏ای که‏ در یک فرسخی آمل قرار گرفته می‏باشد و قبر شیخ عباس‏1قصاب آملی در منتهی‏الیه شهر آمل و بنام امام‏زاده عباس است قادریه کردستان ضمن مجلس‏ سماع و نواختن دف و نی بنمایشاتی می‏پردازند که از جهت هنری در خور ارزش‏ و تماشا است ولی هیچ مناسبت و مشابهتی به تصوف ندارد.

تصوف که مبنایش بر ترک هواجس است با تبلیغ و نمایش و اظهار خودی‏ چه نسبت است.

تصوف تشرف حضور مهرپاش حضرت جانان است.

در پایان یکی دو نمونه از دعاوی گیلانی ذکر می‏گردد.

عایشه همسر حضرت پیغمبر اکرم(ص)در واقعه از دو پستان شیخ شیر نوشید شیخ لاغراندام قد معتدل فراخ سینه ابروان باریک صورت گندم‏گون‏ و دارای صدای رسا بود.

شیخ دارای چهل و نه فرزند بیست و هفت پسر و بیست و دو دختر از وی‏ باقی ماند.

(1)-شیخ خرقانی و ابو سعید الخیر از تربیت یافتگان ابو العباس بوده‏اند و قبر و خانقاه کیا بزرگ در آمل مدتها مرکز تصوف اسلامی بوده است.

مولایم(کیوان قزوینی)شرح ابو سعید ابو الخیر و ختم رباعیات او و تاریخچه بنای مقبره شاه نعمت اللّه ولی را منضم بکتاب صالحیه در این کتاب‏ نیز در پنج حضرت(ناسوت-ملکوت-جبروت-لاهوت-هاهوت)اثر حضرت ایشان زمان ارشادات و از خود ذکری ننموده و سیاق و طرز نگارش و استدلال برهانی قوی بر این نظریه است.